

تجارت و فقر^۱

مترجم: سید حسین میرجلیلی^۲

۱- مقدمه

اول: فقرا عمدتاً فاقد سرمایه انسانی، مالی و فیزیکی هستند و بنابراین در مقابل نوسانات اقتصادی یا تغییر ناگهانی در محیط اقتصادی (که از اصطلاحات تجاری به وجود می‌آید) آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

دوم: شواهدی از جابه‌جایی خانوارها به داخل و خارج از فقر وجود دارد. تا جایی که سیاست تجاری که بر تعیین‌کننده‌های این جریان‌ها اثر می‌گذارد، اثری بر تعداد فقرا خواهد داشت. شوک‌های شدید می‌تواند فقر موقت در داخل را به پدیده‌ای دائمی تبدیل کند. حتی از دست دادن موقتی درآمد می‌تواند سبب شود فقرا فرصت لازم برای کسب سرمایه لازم از طریق آموزش، مراقبت بهداشتی و تغذیه را از دست بدهند و لذا بر توانایی آنها برای خروج از فقر در آینده اثر می‌گذارد.

سوم: فقرا دارای پیوند نزدیک با اقتصاد رسمی نیستند و عموماً در بخش غیررسمی شهری یا در کشاورزی معیشتی روستایی قرار دارند.

چهارم: فقرا اغلب دارای نفوذ سیاسی اندکی هستند و لذا دارای شانس اندک یا برای اثرگذاری بر راهی هستند که اصطلاحات تجاری هدایت می‌شود.

۳- رابطه آزادسازی تجاری و فقر

اغلب اقتصاددانان بر این باورند که در دراز مدت، اقتصادهای باز نسبت به اقتصادهای بسته عملکرد بهتری دارند و سیاست‌های نسبتاً باز نقش زیادی در توسعه دارد. با این حال بسیاری از مفسران نگران هستند که در کوتاه مدت، رژیم‌های باز موفق ممکن است برخی مردم را در فقر باقی‌گذارند. آزادسازی بنا به ماهیتش دلالت بر تغییر دارد و بنابراین اثرات توزیعی به دنبال خواهد داشت، اما تا چه اندازه احتمال دارد فقرا از اثرات مضر آزادسازی تجارت آسیب ببینند؟

پیوند میان تجارت و فقر زمینه جدید مطالعه در ادبیات بین‌المللی است. هر چند تحقیقات اولیه در این مورد آغاز شده است ولی هنوز تحقیقات نظری و تجربی زیادی باید انجام شود. این اجماع وجود دارد که پیش شرط اساسی برای کاهش پایدار فقر، رشد اقتصادی سریع می‌باشد و رژیم تجاری شفاف و باز، زمینه رشد پایدار و گسترده را فراهم می‌کند. بنابراین در میان مدت، اصلاح تجاری دارای نقش مهمی در کاهش فقر از طریق تأثیر بر نرخ و الگوی بخشی رشد است. در کوتاه مدت، اصلاح تجاری می‌تواند دارای اثرات توزیع مجددی بر درآمد باشد که می‌تواند به فقرا صدمه بزند. هر چند اصلاحات تجاری می‌تواند درآمدهای متوسط را در میان مدت افزایش دهد، در کوتاه مدت برخی اجزای جامعه ممکن است زیان‌هایی ببینند، چون فقرا یا شبه فقرا برای حمایت از خود طی دوران سختی اقتصادی دارای توان کمتری هستند و در مقایسه با سایر بخش‌های جامعه، کمتر قادر هستند هزینه‌های ناشی از تعدیل اقتصادی را تحمل کنند.

۲- تعریف فقر و فقرا

ساده‌ترین تعریف مربوط به فقر، فقیر را کسی می‌داند که به منابع اقتصادی دسترسی ناکافی نداشته باشد تا بتواند به کالاهای کافی برای تأمین نیازهای اساسی دست یابد. این تعریف به طور ضمنی متکی به ایجاد یک سطح درآمد - مخارج است که برای به دست آوردن سببی از کالاها که نیازهای اساسی را برآورده سازد، ضروری است. این تعریف سنتی، بسیاری از جنبه‌های اجتماعی و مشارکتی فقر را نادیده می‌گیرد. سایر ویژگی‌های فقر که در ارتباط با اثر اصلاح تجاری بر فقر اهمیت دارد عبارتند از:

۱- منبع: نشریه بررسی‌های بازرگانی - شماره ۲۶
۲- دانشیار پژوهشکده اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی

رویکرد دیگر در بررسی پیوند میان آزادسازی تجاری، رشد و فقر عبارت از در نظر گرفتن اثرات آزادسازی تجاری بر بهره‌وری است. بهبود بهره‌وری برای رشد و توسعه اقتصادی پایدار (۹)، ضروری است.

۳-۲. خانوارها و بازارها

با توجه به اینکه اکثریت فقرا در اغلب کشورها خوداشتغالی دارند، بهترین راه اندیشیدن درباره خانوارهای فقیر، بررسی وضعیت "خانوارهای کشاورز (۱۰)" است که کالاها و خدمات تولید می‌کنند، نیروی کار خود را به فروش می‌رسانند و مصرف کننده هستند. افزایش در قیمت چیزی که خانوار، فروشنده خالص (۱۱) آن است (یعنی: نیروی کار، کالاها و خدمات)، درآمد واقعی آنها را افزایش می‌دهد و برعکس کاهش قیمت، درآمد واقعی آنها را کاهش می‌دهد. خانوارهای فقیر به طور معمول دارای چند منبع درآمد هستند از جمله: انتقالات، و جوه ارسالی از سوی اعضای غایب خانواده، دستمزدها و سود تولید.

ابهام در مورد رابطه تجارت و فقر تا حدی ناشی از ناهمگنی فقر است. دلایل بسیاری برای فقیر بودن وجود دارد. حتی خانوارهای فقیر تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند. لذا بخش مهم هر تحلیلی باید ویژگی‌های متفاوت فقرا شامل اطلاعات مربوط به مصرف، فعالیت‌های شغلی و تولید فقر را شناسایی کند. همچنین نوع اصلاحات تجاری و محیط اقتصادی نیز باید بررسی شود. هیچ دلیلی که ثابت کند آزادسازی تجاری، فقر را کاهش یا افزایش می‌دهد وجود ندارد. در عین حال تعمیم نتایج موردی به تمامی کشورها غلط است. یک جنبه مهم هر تحلیلی از فقر، تعریف و اندازه‌گیری خود فقر است. فقر پدیده‌ای پیچیده و چند بعدی است و مناقشه زیادی در ادبیات اقتصادی درباره تعریف و اندازه‌گیری آن وجود دارد. با این حال اکثر مباحث اقتصادی تجربی درباره فقر، به ویژه در ارتباط با موضوع تجارت و فقر، درآمد مطلق یا اندازه‌گیری مصرف را برگزیده‌اند. البته باید به تفاوت میان فقر و نابرابری توجه داشت. از آنجا که آزادسازی تجاری گرایش به افزایش فرصت‌ها برای فعالیت اقتصادی دارد، می‌تواند به آسانی نابرابری درآمدی را افزایش دهد، در حالی که در همان زمان، فقر کاهش می‌یابد (۱). شواهد مربوط به رابطه آزادسازی تجاری و فقر به موارد زیر تقسیم می‌شود:

۳-۱. رشد اقتصادی و ثبات

در دراز مدت کلید کاهش پایدار فقر، رشد اقتصادی است. این مطلب به طور گسترده‌ای توسط اقتصاددانان و متخصصان توسعه پذیرفته شده است. اما موضوع مناقشه برانگیز، رابطه میان باز بودن بیشتر و رشد اقتصادی است. در حالی که حمایت تجربی زیادی برای این بحث وجود دارد که آزادی‌سازی تجاری و باز بودن، محرک رشد درازمدت و درآمد است، ولی هنوز کاملاً اثبات نشده است. با این حال شواهدی وجود ندارد که آزادسازی تجاری برای رشد اقتصادی مضر باشد. رشد مداوم مستلزم افزایش بهره‌وری است و اغلب شواهد حاکی از آن است که آزادسازی تجاری از این طریق بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، آزادسازی تجاری بر وقوع شوک‌هایی که بر اقتصاد اثر می‌گذارد، موثر است. از این رو باید بی‌ثباتی اقتصاد کلان و اثرات آن بر رشد اقتصادی را در نظر بگیریم (۲).

رشد اقتصادی منابعی برای افزایش درآمد‌ها ایجاد می‌کند و حتی اگر نفوذ به پایین ناکافی باشد منافعی تا برای فقر داشته باشد اما با وجود رشد اقتصادی و درآمد ملی بالاتر، دولت‌ها مجالی برای اتخاذ تدابیر قوی تری خواهند داشت (۳). اما برقراری رابطه میان رژیم تجاری آزاد و درآمد با رشد اقتصادی مشکلات زیر را دارد:

اولاً برقراری علیت میان آزادسازی تجاری و رشد مشکل است. ثانیاً آزادسازی تجاری مستلزم ترکیب با سایر سیاست‌های مناسب مانند سیاست‌های مشوق سرمایه‌گذاری، حل و فصل تضاد سیاست‌ها و افزایش انباشت سرمایه انسانی است (۴). برخی مطالعات، باز بودن را با انباشت بالاتر مرتبط ساخته‌اند. سایرین رابطه آن با بهره‌وری با استفاده از داده‌های بخش‌های اقتصادی با بنگاه‌ها را بررسی کرده‌اند (۵).

دلار و کرای (۲۰۰۲) نشان دادند که متغیرهایی مانند تورم از طریق درآمد متوسط (۶) بر فقر اثر می‌گذارند. باید توجه داشت که داده‌های مربوط به درآمد فقرا به روشنی دچار خطا است. گزارش دهی نادرست در سطوح درآمدی پایین‌تر، احتمالاً جدی‌تر است. احتمال تحقق رشد اقتصادی کاهش دهنده فقر (۷) که شرایط اولیه توانایی بهره‌بردن از فرصت‌هایی می‌دهد که برای فقرا به وجود می‌آید (۸).

شود و صادرات عمدتاً از نیروی کار نیمه ماهر استفاده کند، آزادسازی تجاری همراه با کاهش ارزش واقعی ارز می‌تواند دارای اثرات زیان بار بر فقر باشد (۱۶).

بنابراین در حالیکه از دیدگاه نظریه هگچر-اوهلین در کشورهایی که به طور نسبی دارای وفور نیروی کار غیر ماهر هستند، آزادسازی تجاری فقر را کاهش می‌دهد اما در عمل عوامل دیگری لازم است در نظر گرفته شود.

مکانیزم مهمی که به وسیله آن شوک‌های خارجی بر فقر اثر می‌گذارد از طریق بازار عوامل به ویژه بازار کار پدید می‌آید. نظریه سنتی تجارت بین الملل فرض می‌کند عرضه عوامل، ثابت است و دستمزدها انعطاف پذیر می‌باشند. اگر آزادسازی تجارت، واردات کالاها را سرمایه‌ای را تشویق کند و اگر این امر متضمن استفاده از نیروی کار ماهر باشد، آنگاه آزادسازی می‌تواند فاصله مهارت‌ها را گسترش دهد (۱۷).

از آنجا که اقتصاد در حال آزادسازی، در مقابل قیمت‌های جدید تعدیل می‌شود، همواره امکان بیکاری موقتی وجود دارد. این فرایند آزادسازی (تعدیل) با بیکاری موقتی همراه خواهد بود لذا کارگرانی که شغل خود را از دست می‌دهند نیازمند زمان هستند تا شغل دیگری بیابند. مثلاً در مورد شیلی، سیاستیان و ادواردز (۱۹۹۹) دریافتند که رابطه مثبتی میان درجه آزادسازی یک بخش و میزان اخراج کارگران از کار وجود دارد و بخش‌هایی که در حال تجربه بیشترین آزادسازی هستند بخش‌هایی هستند که دوره بیکاری طولانی‌تری دارند (۱۸).

۳-۴. مخارج و درآمد دولت

اصلاحات تجاری به دلیل کاهش تعرفه‌ها می‌تواند درآمد دولت را کاهش دهد. از سوی دیگر تعرفه‌ها یا حذف معافیت‌های تعرفه‌ای می‌تواند عواید دولت را افزایش دهد (۱۹).

یکی از نگرانی‌های مربوط به آزادسازی تجاری این است که درآمد دولت را کاهش خواهد داد زیرا بسیاری از کشورهای کم درآمد، نیمی یا بیش از درآمدشان را از مالیات بر تجارت به دست می‌آورند.

بنابراین نتیجه کلی ساده‌ای درباره رابطه میان آزادسازی تجاری و فقر وجود ندارد. نظریه مرسوم این است که آزادسازی تجاری تخفیف دهنده فقر در دراز مدت و کوتاه مدت است. شواهد تجربی در حد وسیعی از این دیدگاه حمایت می‌کند و هیچ حمایتی از این موضوع ندارد که آزادسازی تجاری دارای اثر زیانباری است. با این حال تأیید نمی‌کند که سیاست تجاری همواره مهمترین تعیین کننده کاهش فقر است یا اینکه اثرات آزادسازی برای فقرا همواره سودمند خواهد بود. آزادسازی

اولاً: از طریق تغییر متوسط درآمد‌ها؛
ثانیاً: از طریق تغییر در ترکیب فعالیت‌های انجام شده توسط خانوارها؛

ثالثاً: از طریق تغییر در تغییر پذیری منابع درآمدی موجود و یا همبستگی میان آنها؛
رابعاً: از طریق دام‌های فقر (۱۳).

آزادسازی تجاری می‌تواند همچنین با افزایش تنوع منابع درآمدی مهم یا افزایش قیمت‌ها، آسیب‌پذیری درآمدها را افزایش دهد. از سوی دیگر، اگر رقابت افزایش پیدا کند آزادسازی تجاری می‌تواند ریسک را کاهش دهد. آزادسازی می‌تواند همچنین بی‌ثباتی قیمت‌ها را کاهش دهد (۱۴). همچنین شوک‌ها از جمله شوک‌های ایجاد شده به وسیله آزادسازی تجاری می‌تواند سبب ایجاد دام‌های فقر شود (۱۵).

۳-۳. دستمزد و اشتغال

بسیاری از فقرا، برای بخش اعظم درآمدشان متکی به بازار کار هستند. بازار غالباً مسیر مهمی برای خروج از فقر (به دست آوردن شغل) یا وارد شدن به فقر (از دست دادن شغل) است. از این رو اثرات اصلاح تجاری بر دستمزدها و اشتغال، به ویژه در مورد کارگران غیر ماهر مهم است. اگر اصلاحات تجاری، تقاضای محصولات کاربر را افزایش دهد، آنگاه تقاضای نیروی کار و دستمزدها یا اشتغال (یا هر دو)

افزایش می‌یابد. با این حال

اگر فقرا در خانواده‌های

دارای نیروی کار کاملاً

غیر ماهر باشند، در

حالی‌که کارگران

نیمه ماهر از افزایش

تقاضای محصولات

کاربر بهره‌مند

شوند، آنگاه فقر از

آزادسازی تجاری

تأثیری نمی‌پذیرد

یا احتمالاً

بدتر

می‌شود.

همچنین اگر

نیروی کار

غیر ماهر در

بخش‌های

غیر تجاری

به کار گرفته





تجاری باعث تغییرات توزیعی می‌شود و ممکن است رفاه برخی از مردم (دست کم در کوتاه مدت) را کاهش دهد و برخی از اینها می‌توانند افراد فقیر باشند.

بنابراین در حالی که علل زیادی برای این خوش‌بینی وجود دارد که آزادسازی تجاری به طور مثبت در کاهش فقر نقش درد، نتیجه‌نهایی به عوامل بسیاری از جمله نقطه آغاز آن و نوع اصطلاحات تجاری انجام شده بستگی دارد. هر چند ابهام‌هایی درباره پیوندهای میان تجارت و رشد وجود دارد ولی شواهد قوی برای تأثیر سودمند آزادسازی تجاری بر بهره‌وری وجود دارد.

سه موضوع زیر درباره اثر آزادسازی تجاری بر فقر باید مورد توجه قرار گیرد. اولاً؛ تأثیر آزادسازی تجاری بر فقر بستگی به محیطی دارد که در آن آزادسازی تجاری انجام می‌شود، بنابراین آزادسازی تجاری نباید به طور جداگانه دیده شود و سیاست‌های تکمیلی برخی اوقات مورد نیاز خواهد بود تا اثر آزادسازی، از جمله بر فقر افزایش یابد. البته نوع سیاست‌های تکمیلی به شرایط آن کشور بستگی دارد.

ثانیاً؛ شواهد زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه خانوارهای فقیر ممکن است کمتر قادر باشند در مقابل اثرات زیان‌بار از خودشان حمایت کنند یا از فرصت‌های مثبت ایجاد شده به وسیله اصلاح سیاستی استفاده کنند. در چنین شرایطی سیاست‌های مکمل نقش زیادی در اصلاحات تجاری دارند.

ثالثاً؛ هر چند آزادسازی تجاری ممکن است مکانیزم مستقیمی برای پرداختن به فقر در یک کشور نباشد، ولی یکی از آسانترین راه‌ها برای تغییر دادن است. در حالیکه بسیاری از سیاست‌های مفید برای فقرا از لحاظ اجرایی پیچیده و پرهزینه هستند، اجرای روش‌های اصلاح تجاری - کاهش تعرفه و یکسان‌سازی آنها و حذف موانع غیرتعرفه‌ای - آسان هستند. بنابراین اصلاح تجاری یکی از مقرون به صرفه‌ترین سیاست‌های ضد فقر موجود برای دولت‌هاست. همچنین آزادسازی تجاری می‌تواند یک جزء مهم راهبرد توسعه نافع برای فقرا باشد (۲۰).

۳-۵. تغییرات قیمت و توان دسترسی به واردات و صادرات

با تغییر قیمت کالاهای قابل تجارت (یعنی از طریق کاهش قیمت‌های صادرات برای تولیدکنندگان فقیر) و بهبود دسترسی به محصولات جدید. آزادسازی تجاری با کاهش قیمت کالاهای وارداتی و پایین نگه داشتن قیمت کالاهای جانشین کالاهای وارداتی، درآمد واقعی فقرا را افزایش می‌دهد.

محصولات وارداتی شامل مواد غذایی اساسی، دارو و سایر محصولات بهداشتی و پزشکی، لباس و ... می‌تواند برای فقرا نیز مهم باشد. همچنین اگر فقرا تولیدکنندگان آن کالا برای صادرات باشند، از این تغییرات منتفع می‌گردند. یک رژیم تجاری باز امکان واردات فناوری و فرآوری را فراهم می‌کند و اینها به فقرا کمک می‌کند. مثلاً فناوری بسته‌بندی مواد غذایی فاسد شدنی، مواد شیمیایی برای ضدعفونی کردن آب یا بذر اصلاح شده و واردات انواع کود برای فقرا مفید است. آزادسازی تجاری می‌تواند همچنین برنامه‌های ضد فقر و سیاست‌های اجتماعی اجرا شده به وسیله دولت یا سازمان‌های غیر دولتی را با در اختیار گذاشتن محصولات و فناوری‌های مورد استفاده در این برنامه‌ها به طور عمومی تر و ارزان تسهیل کند.

۶-۳. قیمت عوامل، درآمد و اشتغال

با تغییر قیمت نسبی عوامل (نیروی کار ماهر و غیر ماهر و سرمایه) استفاده شده در تولید کالاهای قابل تجارت و اثرگذار بر درآمد و اشتغال فقرا انتقال منابع میان صنایع که غالباً همراه آزادسازی تجاری صورت می‌گیرد، می‌تواند اثرات مهمی بر دستمزدها و اشتغال داشته باشد. این اثرات هم‌بربخش‌های خاص یا صنایع خاص است و هم دارای اثرات گسترده در اقتصاد می‌باشد که تأثیرگذاری بر بخش‌های خاص را تشدید می‌کند یا تخفیف می‌دهد.

اثرات خاص بخشی: نظریه سنتی تجارت به قضیه استالپر - سامولسن برای پیش‌بینی نتایج آزادسازی تجاری بر درآمد عوامل تولید متکی است. قضیه استالپر - سامولسن پیش‌بینی می‌کند که افزایش قیمت نسبی یک کالا منجر به افزایش بازدهی واقعی عامل به کار رفته به طور وافر در تولید آن کالا می‌شود. لذا برای کشور در حال توسعه با ساختار تولیدی کاملاً حمایت شده، نتیجه آزادسازی تجاری افزایش قیمت نسبی محصولات کاربر غیرماهر خواهد بود (چون وقتی موانع تجاری برداشته شود واردات محصولات سرمایه‌بر یا کاربر ماهر نسبتاً ارزان می‌شود) و همچنانکه بازار محصولات کاربر گسترش می‌یابد متعاقب آن دستمزد واقعی برای کارگران غیرماهر افزایش می‌یابد. لذا تقاضای نیروی کار غیرماهر افزایش پیدا می‌کند که منجر به بازدهی بالاتر برای نیروی کار غیر ماهر می‌شود. طبق قضیه استالپر - سامولسن، آزادسازی تجاری در



تعرفه‌ای به طور معمول درآمدها را افزایش می‌دهد. همچنین اگر تعرفه اولیه بالا باشد، نتیجه کاهش آن می‌تواند ایجاد جریانات تجاری بیشتر باشد که درآمد را افزایش می‌دهد. کاهش تعرفه‌های بالا، انگیزه برای قاچاق و فساد مالی را کاهش می‌دهد که آن هم به نوبه خود می‌تواند حجم تجارت ثبت شده در گمرکات را افزایش دهد و بر درآمد دولت بیافزاید. سرانجام ساده‌سازی رژیم تعرفه‌ای به ساختاری متحدالشکل با فقط چند نرخ تعرفه، می‌تواند از طریق افزایش شفافیت و ساده‌سازی سازمان اجرایی مالیات، درآمد مالی دولت را افزایش دهد. اصلاحات تکمیلی مانند اقتصاد کلان حمایت‌کننده و سالم و سیاست‌های مناسب نرخ ارز می‌تواند منجر به نرخ‌های بالاتر رشد و افزایش حجم تجارت شود که آن هم به نوبه خود می‌تواند کاهش درآمد ناشی از تعرفه پایین‌تر را خنثی کند. شفافیت بیشتر اقتصادی نیز به بازتر شدن اقتصاد کمک می‌کند و لذا نفع بیشتری از تجارت حاصل می‌شود تا آنجا که کاهش تعرفه‌ها منجر به کاهش درآمد دولت ناشی از مالیات‌های تجاری شود، اصلاحات مالیاتی (خصوصاً حرکت به سمت پایه مالیاتی وسیع‌تر و مالیات‌های کمتر اختلال زا) یا محدودیت مخارج می‌تواند به منظور حفظ ثبات اقتصاد کلان لازم باشد. در این زمینه اصلاحات مالیاتی داخلی (شامل حرکت به سمت مالیات‌های با پایه وسیع‌تر) و اندازه‌گیری مخارج باید به گونه‌ای طراحی شود که اثرات مضر آنها بر فقر را حداقل سازد.

ممکن است کاملاً به بازارهای داخلی واسطه‌ای یا نهادی منتقل نشود. در نهایت اگر زیرساخت کافی و کانال‌های توزیع وجود نداشته باشند، آنگاه مناطق معین یا بازارهای معین (آن هم جایی که فقرا ساکن هستند) از اثرات آزادسازی تجاری کاملاً دور نگه داشته می‌شوند. "دامنه تجارت" یعنی تعداد محصولات یا بازاریایی که انتظار می‌رود از آزادسازی اثر پذیرند می‌تواند با شوک قیمتی مرتبط باشد. هر قدر دامنه تجارت وسیع‌تر باشد، باید محصول بیشتر و بازارها و عوامل اقتصادی بیشتری طبق آن تعدیل شود. بنابراین اگر هزینه‌های تعدیل بر عوامل مختلف و بازارهای مختلف پخش شود، هزینه بازار کاهش می‌یابد.

۷-۳. درآمد دولت و برنامه‌هایی برای فقرا

دغدغه عمومی این است که اصلاحات تجاری منجر به درآمد پایین‌تر دولت می‌شود، چون مالیات‌های تجاری کاهش یافته یا حذف می‌شوند. از این رو بر توانایی دولت جهت تأمین مالی برنامه‌های حمایت از فقرا تأثیر منفی می‌گذارند. برای حفظ اثبات اقتصاد کلان، دولت‌ها ممکن است مخارج اجتماعی را کاهش دهند یا مالیات‌های جدیدی را به اجرا درآورند که می‌تواند بر فقرا اثر گذارد. با این حال باید دانست که آزادسازی تجاری بسته به اصلاحات معرفی شده و شرایط خاص آن کشور می‌تواند دارای اثر مثبت و منفی یا خنثی بر درآمد دولت باشد. تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای و حذف معافیت‌های

کشورهای در حال توسعه باید کارگران غیر ماهر بیشتری را به سوی اشتغال بکشاند و دستمزد واقعی آنها را افزایش دهد.

در حالیکه این نتیجه نظریه عمومی تجارت است ولی متکی به فرضیه‌های خاص درباره فناوری، بازار کار و تعداد محصولات و عوامل تولید می‌باشد. در عمل، این فرضیه‌های محدودکننده تقریباً همواره نقض شده‌اند. مثلاً اگر صرفه‌های مقیاس در صنایع سرمایه‌بر وجود داشته باشد، یا اگر نیروی کار میان تمامی بخش‌ها به طور کامل متحرک نباشد، در این حالت اثرات اصلاح تجاری بر توزیع درآمد به طور معمول قابل پیش‌بینی نخواهد بود.

علاوه بر آن، قضیه استالپر - ساموئلسن به تغییرات در توزیع کارکردی درآمد اشاره می‌کند که به طور مستقیم مرتبط با تغییرات در درآمد خانوارها نیستند.

اثرات سراسری اقتصاد: به طور کلی آزادسازی تجاری می‌تواند شوکی به اقتصاد وارد کند که از تغییر قیمت‌های نسبی به وجود می‌آید. اشاعه این شوک در اقتصاد بستگی به ساختار بازار، زیرساخت، به ویژه در خدمات توزیعی و پیوندهای اقتصادی و نهادی بازارها و همچنین واکنش عوامل اقتصادی دارد. اشاعه شوک‌های قیمتی در طول کانال‌های توزیع بستگی به ساختار بازار کالاها و مورد نظر و همچنین بازار خدمات توزیعی دارد. اگر در هر مرحله‌ای سبب انحصارات بر آنها وجود داشته باشد (مانند انحصارات توزیع دولتی)، آنگاه کاهش قیمت ناشی از آزادسازی تجاری

۸-۳. سرمایه‌گذاری، نوآوری و رشد

یک عامل مهم در کاهش پایدار فقر، رشد اقتصادی است مشروط بر این که فقرا در آن مشارکت داشته باشند. یکی از کانال‌های اصلی که اصلاحات تجاری بر رشد اثر می‌گذارد، به وسیله کاهش اقدامات ضد صادراتی سیاست تجاری و اقدامات منجرشونده به تخصیص کارآتر منابع است. در دراز مدت آزادسازی تجاری می‌تواند بر نرخ رشد اقتصاد از طریق اثر بر سرمایه‌گذاری (مثلاً برای تولید تعداد بیشتر کالاها) و نوآوری تأثیر گذارد. باید توجه داشت که اثرگذاری

اصلاح تجاری بر رشد، بستگی به سایر سیاست‌های ساختاری و اقتصاد کلان مکمل بستگی دارد و مثلاً ارزش‌گذاری بیش از حد نرخ ارز، مانع مهمی برای رشد است.



اصلاح تجاری بدون سیاست‌های نرخ ارز و اقتصاد کلان مناسب برای بهبود توان رقابت، اثر کمتری در ارتقای رشد دارد. لذا یک بسته اقتصادی سازگار برای اصلاح تجاری و سایر تدابیر ساختاری جهت تسریع تعدیل و رشد ضروری است. اما حتی وقتی چنین سیاست‌هایی منجر به رشد می‌شود دغدغه‌ای که غالباً مطرح می‌شود این است که سیاست‌های تجاری باز می‌تواند منجر به الگویی از رشد شود که به طور نامتناسبی به اغنیاء نفع می‌رساند و در نتیجه توزیع درآمد را بدتر می‌کند.

۹-۳. آسیب‌پذیری در مقابل شوک‌های منفی خارجی

آزادسازی تجاری اقتصاد را بازتر می‌کند و ادغام اقتصاد یک کشور را در اقتصاد بقیه جهان تسریع می‌کند. اقتصاد باز، به تنوع صادرات کمک می‌کند و منجر به بروز مزیت‌های نسبی می‌شود تا کمتر به بازارهای صادراتی واحد یا محصولات صادراتی محدود وابسته باشد. علاوه بر آن، ادغام در بازارهای خارجی به اقتصاد ملی کمک می‌کند ریسک را متنوع سازد، به گونه‌ای که رکود اقتصاد داخلی با رشد اقتصاد بین‌المللی خنثی می‌شود. با این حال باز بودن می‌تواند اقتصاد را در مقابل شوک‌های خارجی آسیب‌پذیر کند، مانند تغییرات ناگهانی رابطه مبادله که می‌تواند اثر مهمی بر رشد به جای بگذارد. اگر شوک‌ها بر بخش‌های معین مانند کشاورزی یا تولید غیر رسمی به طور مستقیم، اثر می‌گذارد می‌تواند بر فقرا تأثیر زیادی داشته باشد.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا اقتصادهای بازتر، در مقابل شوک‌های خارجی آسیب‌پذیرترند؟

پاسخ این است که هر چند اقتصادهای بازتر سریع‌تر رشد می‌کنند، ولی اقتصادهای بازتر از شوک‌های بزرگتر رنج می‌برند که نتیجه‌اش بی‌ثباتی نرخ‌های رشد اقتصادی است. به هر اندازه سیاست‌های تجاری در باز بودن نقش داشته باشند، می‌توانند منجر به بی‌ثباتی بیشتر در اقتصاد کلان شوند. همچنین شواهدی وجود دارد که بی‌ثباتی بیشتر اقتصاد کلان، بر فقرا به طور نامتناسبی اثر می‌گذارد. شوک‌های اقتصاد کلان می‌تواند دارای اثر غیرقابل برگشتی بر سرمایه انسانی فقرا باشد چون بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری در آموزش، تغذیه و بهداشت آنها اثر می‌گذارد.



در غیر این صورت مداخله فقط زمان را متوقف می‌کند که دورنمای اندکی از توسعه دراز مدت ارائه می‌کند. استثنای موقتی کالاها و خدماتی که می‌تواند به روشنی در پیوند با فقر باشد، پذیرفتنی است.

پنجم: انجام اصلاحات تجاری در اواسط دوران رکود احتمالاً منجر به بیکاری می‌شود. لذا در این موارد تعویق آزادسازی لازم است چون زمان مناسب فراهم نیست. بنابراین انجام آزادسازی تجاری در چند مرحله مطلوب است.

۴-۱. سیاست‌های جبرانی

اگر آزادسازی سبب فقر شود، در این صورت آیامی توان این اثر را به طور مستقیم خنثی کرد؟ کمک معمولاً حمایت موقتی است.

در مواردی که آزادسازی منجر به از دست رفتن مشاغل می‌شود، دولت می‌تواند بر آن اصرار کند و شاید به تأمین مالی پرداخت‌های زاید کمک کند. این پرداخت‌ها می‌تواند به بخشی از مردم کمک کند که به زیر خط فقر نروند.

پرداخت‌های زاید به نوعی پاداش خدمت گذشته است نه نیاز کنونی و برای کاهش فقر به خوبی هدف‌گیری شده نیستند. سیاست‌های جبرانی عمومی شامل شبکه‌های حمایتی (۲۱) از هر منبعی به طور مستقیم طراحی شده‌اند و مسئله شناسایی شوک را با وظیفه شناسایی فقرا جایگزین می‌کنند.

هدفمند بودن یک مسئله اصلی در طرح شبکه‌های حمایتی است. دوام برنامه‌های شبکه‌های حمایتی مشکل دیگر است. شوک تجاری می‌تواند فشار مالی شدیدی بر این برنامه‌ها در زمان مورد نیاز وارد کند. راولیون (۱۹۹۹) پیشنهاد می‌کند که پروژه‌هایی برای ایجاد کار دستمزدی اجرا شود و اینکه از جامعه‌های دارای وضع بهتر باید خواسته شوند تا منابع مالی پروژه‌ها را مشترکاً تأمین کنند.

برنامه‌های هم‌مکمل می‌تواند طبق نیاز تنظیم شوند، اما باید زیر ساخت دایمی داشته و سریع هدف‌گیری شوند. مثال شبکه‌های حمایتی خوب، بنگلادش است. اما شبکه‌های حمایتی در زامبیا و زیمبابوه که در حال حاضر اجرا می‌شود آنقدر ضعیف اجرا شده است و آن قدر بودجه کمی دارد که نمی‌تواند کمک جدی به بازندگان ناشی از آزادسازی تجاری کند.



نکته اخیر مکرراً توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در توصیه‌های سیاسی ذکر شده است. یک پاسخ به اثرات نامطلوب آزادسازی بر فقر این است که بخش‌های خاصی یا محصولات معینی باید از آزادسازی تجاری استثنا شوند. در واقع تمامی کشورها دارای چنین استثنائاتی هستند (مثلاً کشاورزی در اروپا و پارچه در ایالات متحده). افزون بر آن، باید تشخیص دهیم که آزادسازی تجاری اقدامی سیاسی است و دولت‌ها باید حمایت سیاسی کافی را برای تداوم اصلاحات ایجاد کنند. اما ملاحظاتی در این زمینه وجود دارد:

اول: در تعریف «فقر» که علاقمند به حمایت شدن هستند باید محاسبه قوی باشد.

دوم: محصولات باید دارای پیوند محکمی با فقرا باشند تا آنکه منافع توزیع شده حمایت از آنها با زیان‌های کارایی در جاهای دیگر در اقتصاد خنثی نشود. کالاهای مربوط باید دارای اهمیت زیاد برای فقرا باشند، همیشه مواد غذایی در طرف مصرف و اغلب یک کالای کشاورزی در طرف تولید قرار دارد.

سوم: برای اطمینان از اینکه اثرات مطلوب عملاً پدیدار می‌شود، نظارت لازم است.

چهارم: برنامه درازمدت برای کمک به کاهش وابستگی فقرا به مداخله دولت، لازم است؛

۴-۲. سیاست‌های تجاری برای کاهش فقر

هر چند موانع تجاری، درآمد را افزایش می‌دهد ولی برندگان و بازندگانی را به وجود می‌آورد. مثلاً آزادسازی بخش واردات درآمد واقعی را از تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان توزیع مجدد تبدیل می‌کند. با کاهش قیمت برخی نفع می‌برند ولی سایرین زیان می‌بینند. چگونه می‌توانیم از سیاست‌های تجاری برای کاهش فقر استفاده کنیم؟ پاسخ، مدیریت آزادسازی تجاری است. به عبارت دیگر پیروی از سیاست تجارت مدیریت شده.

یک پاسخ به ترس از اینکه آزادسازی تجاری می‌تواند سبب فقر شود آن است که این کار را انجام ندهید. اما، این پاسخ رضایت‌بخش نیست. رودریک و رودریگز (۲۰۰۱) مطرح کرده‌اند که مطالعات مربوط به اثرات آزادسازی بر رشد اقتصادی در اندازه‌گیری باز بودن نقص دارند. خصوصاً چون آنها درون‌زا هستند و همچنین اقتصاد سنجی آنها ضعیف است. اما رودریگز و رودریک استدلال نکرده‌اند که آزادسازی تجاری برای رشد مضر است. هر چند سیاست‌های تجاری لیبرال، احتمالاً سودمند است (چون مجموعه فرصت‌ها را گسترش می‌دهد) یک اثر شبه دائمی بر رشد نیازمند ترکیب با سایر سیاست‌های خوب است.



۲-۴. سیاست‌های مکمل برای کارکرد بهتر بازارها

یک موضوع مربوط به اثرات آزادسازی تجاری بر فقر، کارکرد بازارها است. آزادسازی تجاری باید با نظارت همراه شود. مهمترین سیاست‌های مکمل برای کارکرد بهتر بازارها عبارتند از:

۲-۴-۱. حمایت از زیر ساخت

اگر زیر ساخت لازم وجود نداشته باشد، فرصت‌های بالقوه تولید کنندگان فقیر برای نفع بردن از رژیم تجاری بازتر از دست می‌رود. در زیمبابوه و زامبیا، کشاورزان دوردست دریافتند که با ناتوانی برای دستیابی به مراکز بازار اصلی، فرصت‌هایشان محدود شده است. از سوی دیگر بسیاری از منافع ناشی از کاهش مقررات خرده فروشی و دسترسی به کالاهای جدید یا ارزان‌تر محدود به مناطق شهری و حومه‌ها شهر است.

۲-۴-۲. نهادهای بازار

فقرا اغلب قادر نیستند بازار ایجاد کنند یا آن را حفظ کنند. لذا ایجاد بازار باید از برنامه‌های مکمل جانبی باشد. یک جنبه از تسهیل مشارکت فقرا در بازارها می‌تواند یافتن ابزاری باشد که هزینه‌های مبادله تولیدکنندگان فقیر را کاهش دهد. در زیمبابوه نمونه موفق از این سیاست در منطقه هورتیکالچرال اجرا شده است و در نتیجه، خانوارهای زیادی در حال تبدیل به تولیدکنندگان محصولات اصلی هستند. این در وهله اول نتیجه برنامه‌های «رشد سریع‌تر» و نتیجه منبع‌یابی یا انعقاد قرارداد فرعی با مزارع تجاری در مقیاس بزرگ است. شورای توسعه هورتیکالچرال برآورد کرده است که حدود سه هزار کشاورز کوچک اکنون تقریباً ۱۰ درصد صادرات زیمبابوه را تشکیل می‌دهد.

۲-۴-۳. بازارهای اعتباری

در اقتصاد توسعه مطرح می‌شود که بازارهای اعتباری مانع توسعه‌اند و همان پدیده در مورد آزادسازی تجاری مطرح می‌شود. افزایش ارتباطات میان بازارها به رفع شوک‌های قیمتی منجر می‌شود و هزینه‌های تعدیل فقرا آسان خواهد کرد.

- تسهیل بازارها: تسهیل بازارها نیازمند رفع انحصار (مانند انحصارات تجاری دولتی) است که ممکن است اثر مضر بر فقرا داشته باشد یا مانع کسب منافع آزادسازی تجاری شود. اما شاید مهم‌تر از آن برای فقرا حمایت اضافی است که ممکن است نیاز داشته باشند، مانند کمک فنی، گسترش خدمات کشاورزی، اقدام تجاری و سایر زمینه‌هایی که سبب شود آنها بتوانند از فرصت‌های جدید بازار منتفع گردند.

- توسعه بازارهای اعتباری نیز بخش مهمی از این تسهیل برای تدارک نهادهای مهم در ایجاد فعالیت‌های بازاری است.

- جابه‌جایی نیروی کار و آموزش: پیچیدگی‌های بازار کار می‌تواند توانایی فقرا برای جابه‌جایی در مشاغل را محدود سازد و در نتیجه نمی‌توانند از فرصت‌های جدید بازار منتفع شوند، در حالیکه در همان زمان هزینه‌های آزادسازی تجاری را حداقل می‌سازد. همچنین آموزش کارگر و کمک به کارگر می‌تواند ابزار مهمی برای تسهیل خارج کردن فقرا از اشتغال در بخش‌هایی باشد که از آزادسازی تجاری رنج می‌برند.





۵- فرایند برنامه کاهش فقر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و تدابیر ایمنی اجتماعی.

برنامه کاهش فقر و تسهیل رشد و اصلاحات تجاری در واقع بخشی از یک بسته سیاسی جامع است که با تعدیل اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری گسترده سرو کار دارد. بر این اساس شبکه‌های ایمنی اجتماعی مکمل این برنامه خواهند بود. برنامه کاهش فقر باید به مشخص کردن گروه‌هایی بپردازد که می‌توانند از اصلاحات تجاری متضرر شوند. شبکه‌های ایمنی اجتماعی به این گروه‌ها کمک می‌کند (۲۲).

پرسش‌های کلیدی

برای تشخیص اثر اصلاحات تجاری بر فقر برای اینکه سیاست‌گذاران اقتصادی بتوانند اثر اصلاحات تجاری بر فقر را شناسایی کنند، باید به یکسری پرسش در این مورد پاسخ دهند. آلن وینترز (۲۰۰۰) ده پرسش زیر را پیشنهاد کرده است:

۱- آیا اثر تغییر قیمت‌های بر بقیه اقتصاد مؤثر است؟
سیاست تجاری و شوک‌ها در وهله اول از طریق قیمت‌ها عمل می‌کنند. اگر مشکل تغییر قیمت‌ها حل نشود - مثلاً چون دولت‌ها علی‌رغم آزادسازی تجاری به تثبیت قیمت‌های داخلی کالاها ادامه دهند. اثر مستقیم بر فقر، چه مثبت یا منفی، خنثی خواهد شد.

۲- آیا اصلاحات تجاری دسترسی مصرف‌کنندگان فقیر به کالاهای جدید را افزایش می‌دهد؟



اثر مستقیم اصلاح تجاری بر فقر از طریق قیمت کالاها و خدماتی است که خانوارهای فقیر از آن تأثیر می‌پذیرند. بزرگ‌ترین شوک‌های قیمتی وقتی تحقیق می‌یابد که یکی از دو قیمت اولیه یا نهایی معین و دیگری نامعین است (یعنی وقتی هیچ بازاری وجود ندارد). شوکی که یک بازار را از بین می‌برد - بازار یک محصول یا بازار نیروی کار - احتمالاً دارای پیامدهای عمده‌ای برای فقر است. به طور مشابه ایجاد فرصت‌های جدید یا کالاها و خدمات در دسترس فقرا می‌تواند تا حد زیادی رفاه فقرا را افزایش دهد.

۳- آیا اصلاح تجاری بر اعضای خانوارهای مختلف به طور متفاوت اثر می‌گذارد؟
درون یک خانوار، مطالبات مربوط به کالاهای خاص و موجودی‌های دارایی‌های خاص (نیروی کار) به طور ناموزون توزیع می‌شود. ممکن است اثرات فقر بر اعضای خاص - معمولاً کشاورزان و کودکان که ممکن است بازنده باشند - متمرکز شود.

۴- آیا سیاست‌ها بر زمینه‌ها و فعالیت‌هایی متمرکز شده است که با فقرا تناسب دارد؟
۵- چه عواملی در بخش‌های تحت تأثیر، با شدت بیشتر استفاده شده‌اند؟

پیش‌بینی اثرات قیمتی یا شدت عوامل در بخش‌های تحت تأثیر، می‌تواند پیچیده باشد، همچنانکه در اصلاحات آمریکایی لاتین طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ملاحظه شد. علاوه بر آن اگر عرضه عوامل کم کشش باشد، بخشی از یک شوک تجاری تغییر در اشتغال ایجاد می‌کند نه در قیمت عوامل. در این صورت اگر بخش متأثر از تجارت، دستمزدهای بالاتری بپردازد آنگاه اثر محسوسی بر فقر ندارد.

۶- آیا اصلاحات بر درآمد دولت اثر زیادی به جای می‌گذارد؟
پاسخ فوری این است که کاهش تعرفه‌ها، درآمد دولت را کاهش خواهد داد. بسیاری از اصلاحات تجاری عملاً دارای اثرات درآمدی اندک یا حتی مثبت است، به ویژه اگر موانع غیرتعرفه‌ای را به تعرفه‌ها تبدیل کنند، معافیت‌ها را حذف کند و نرخ‌های تعرفه را به سطوحی کاهش دهد که قاچاق را کاهش دهد. حتی جایی که درآمد کاهش می‌یابد، اجتناب‌ناپذیر نیست که مخارج برای فقرا کاهش یابد. لذا در نهایت یک تصمیم سیاسی است.

۷- آیا اصلاحات منجر به تغییرات ناپیوسته در فعالیت‌ها می‌شود؟

برای موفقیت آزادسازی تجاری لازم است بخش‌های مختلف با سرعت‌های متفاوت وارد عرصه اصلاحات شوند تا هزینه‌های تعدیل کاهش یابد. این اقدام می‌تواند منافع آزادسازی را به تعویق اندازد، علی‌الخصوص می‌تواند برای بخش‌های یا بازارهای درست باشد که آزادسازی اثر زیادی بر قیمت‌ها دارد. مثلاً در نفتا (موافقت نامه تجارت آمریکای شمالی)، آزادسازی واردات و صادرات محصول ذرت ۱۰ سال به تأخیر افتاد و مرحله‌بندی شد تا به کشاورزان مکزیکی که وابسته به این محصول هستند فرصت کافی برای انطباق داده شود. دوره‌های طولانی تعدیل در این مورد ضروری است زیرا تفاوت قیمتی میان ذرت داخلی مکزیکی (با حمایت طولانی) و صادرات ذرت آمریکا بسیار زیاد بود.

علاوه بر آن اگر عاملان اقتصادی نیاز به زمان بیشتری برای تطبیق با محیط جدید داشته باشند، اصلاحات تجاری باید مرحله‌بندی شود و به تدریج اجرا شود. یک شرط مهم برای اجرای دوره‌های طولانی تعدیل برای آزادسازی بخش‌های حساس، تعهد معتبر دولت به اصلاح تجاری است. اگر تعهد دولت به اصلاح معتبر نباشد، آنگاه ایجاد دوره‌های تعدیل طولانی فرصت زیادی برای طرف‌های متأثر فراهم می‌کند تا در جهت معکوس نمودن اصلاحات برنامه‌ریزی شده اقدام کنند. اگر دولت متعهد به اصلاحات نباشد، آنگاه عوامل اقتصادی ممکن است انگیزه‌ای برای تطبیق با اصلاحات تجاری نداشته باشند.

۵-۲-۴. شبکه‌های ایمنی اجتماعی

حتی بهترین طرح تجاری، برندگان و بازندگان خواهد داشت. به منظور تخفیف اثرات مضر کوتاه‌مدت بر فقرا، کشورهای در حال توسعه نیاز به شبکه‌های حمایتی اجتماعی دارند. شبکه‌های حمایتی بالقوه می‌تواند به اشکال زیر انجام شود و حضور یابد:

- ۱- یارانه‌های هدفمند.
- ۲- انتقالات نقدی یعنی جیره کودکان و صرف نظر کردن از دریافت هزینه خدمات اساسی
- ۳- پرداخت خاتمه خدمت و بازآموزی برای کارگران اخراجی در شرکت‌هایی که نمی‌توانند به هیچ وجه رقابت کنند.
- ۴- اشتغال در کارهای عمومی (برنامه‌های کار در برابر دریافت اعانه) با دستمزدهای متناسب برای تضمین هدف‌گیری نیازمندان واقعی.

منابع:

Winters, 1. Alan, Neil McCulloch and Andrew Mackay, "Trade Liberalization and poverty: The Evidence So Far", *Journal of Economic Literature*, Vol. XIII, March 2004.

Winters, L. Alan, "Trade Policies for Poverty Alleviation", in: Bernard Hoekman, Aditya Mattoo and Philip English (eds), *Development, Trade and the WTO*, The World Bank, Washington DV.2000.

Bannister, Geoffrey J. and Kamau Thugge, "International Trade and Poverty Alleviation", IMF Working Paper, May 2001.

Mirjalili, Seyyed Hossein, "Trade, Poverty and Globalization", paper presented at seminar on: *Trade, Aid and Development: Policy Tools for Poverty Reduction*, AUSTRIA, September 2000.

Winters, L. Alan, *Trade and Poverty: Is there a connection?* In: *Trade, Income Disparity and Poverty*, Ben David, D., H. Nordstrom and L. Alan Winters (eds), special study 5, Geneva, WTO, 2000.

Winters, L. Alan, "Trade Liberalization and poverty: what are the links?" *World Economy*, Vol. 25, No.9, 2002.

UNCTAD, "High Level Round Table on Trade and poverty", Eleventh Session, June 2004.

Bhagwati, Jagdish and T.N Srinivasan, *Trade and Poverty in the poor Countries*, 2002.

Stiglitz, Joseph, "New Trade Pacts Betray Poorest Partners", *The New York Times*, July 10, 2004.

K. Muir-Leresch, "Trade, Aid and Development: How Can We Empower the Poor?" *Austria*, September 2004.

پی نوشت‌ها:

- 1) A. Winters et al. 2004. p 73
- 2) Ibid, p. 74.
- 3) Ibid, p. 76.
- 4) Ibid, p. 77.
- 5) Ibid, p. 78.
- 6) Ibid, p. 79.
- 7) Pro-poor growth.
- 8) Ibid, p. 80.
- 9) Ibid, p. 80.
- 10) Farm household.
- 11) Net Seller
- 12) Ibid, p. 74.
- 13) Ibid, p. 94.
- 14) Ibid, p. 96.
- 15) Ibid, p. 96.
- 16) Ibid, p. 75.
- 17) Ibid, p. 100.
- 18) Ibid, p. 102.
- 19) Ibid, p. 76.
- 20) Ibid, p. 108.
- 21) Safety nets.
- 22) G. Bannister and K. Thugge, 2001.
- 23) Alan Winters, 2000

اگر چنین باشد، آیا فعالیت‌های جدید دارای ریسک بیشتری نسبت به فعالیت‌های قدیمی است؟ اگر آزادسازی تجاری به مردم اجازه دهد فعالیت‌های «ملی و بین‌المللی» را ترکیب کنند، احتمال زیادی دارد این موضوع ریسک را کاهش دهد. بازارهای خارجی احتمال دارد تغییر کمتری از بازارهای داخلی داشته باشند، و حتی اگر ریسک را گسترش ندهند، احتمالاً کل ریسک را کاهش می‌دهند. با این حال اگر اصلاح تجاری منجر به تغییرات کم و بیش کامل در فعالیت‌ها شود، امکان افزایش ریسک وجود دارد.

۸- آیا اصلاحات به توانایی مردم فقیر در ریسک‌پذیری بستگی دارد یا بر ریسک‌پذیری آنها اثر می‌گذارد؟

فقرا نمی‌توانند به آسانی متحمل ریسک شوند. زیرا پیامد حتی شوک‌های منفی اندک آنقدر برای فقرا جدی است که ممکن است نخواهد فرصت‌هایی به دست آورند که درآمد متوسط آنها افزایش یابد، وقتی شانس زیان آنها نیز افزایش می‌یابد. افزایش ریسک آسیب‌پذیری فقرا را افزایش می‌دهد، حتی اگر آن میانگین درآمدها را نیز افزایش دهد.

۹- آیا اصلاحات باعث ایجاد شوک‌های بزرگ برای مکان‌های خاص می‌شود؟

واکنش در برابر شوک‌های بزرگ و شوک‌های کوچک از نظر کیفی متفاوت است. به عنوان مثال ممکن است بازارها راکد شده و یا از بین بروند، بنابراین اگر اصلاح تجاری باعث بروز شوک‌های بسیار بزرگ برای مکان‌های خاص شود، تأثیر سوء آن را باید از طریق مرحله بندی یا از طریق سیاست‌های جبرانی یا تکمیلی، انجام داد.

۱۰- چرا تنها فقرا از بیکاری موقت آسیب می‌بینند؟

غیر فقرا به نوعی دارایی‌هایی دارند که آنها را در دوره‌های تعدیل از آسیب حفظ می‌کند. این هر چند بیکاری موقت، بدشانسی آنهاست، اما فقر نیست. فقرا دارای دارایی اندک هستند، لذا بالعکس دارایی فقرا اندک است لذا یک دوره بیکاری کوتاه مدت می‌تواند سبب گسترش فقر شود. لذا ضرورت دارد اقدامات تکمیلی و جبرانی را انجام داد تا تعدیل را بر فقرا آسان کند (۲۳). □